

به نام خدا

## دیدگاه قرآن در مورد یهود

حجت الاسلام و المسلمین ابوالفضل شعبانی<sup>۱</sup> - رقیه سلیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

قرآن کریم مباحث مربوط به یهود را در سطح مطرح نموده و ضمن پرداختن به ویژگی های این قوم در برخی موارد و استراتژی خود را نیز در برابر آن تبیین کرده است با توجه به فراوانی صفات یهودی در قرآن ما به درصدی از آن پرداختیم که در همه این فصل ها مهم ترین و محوری ترین ویژگی ها با رویکرد اعتقادی و اخلاقی مورد بحث و بررسی قرار دادیم و همچنین رسول گرامی اسلام پس از آنکه به مدینه مهاجرت کرد براساس آموزه های اسلام با تعامل و همزیستی مسالمت آمیز با ساکنان مدینه رفتار می نمود اما چون از کارشکنی یهود نگران بود با آنها پیمانهای امینی منعقد کرد تا با دشمنان خارجی که تهدید جدی در برابر اسلام به شمار می آمدند با فراغت لازم مبارزه نماید اما یهودیان مدینه در شرایط بحرانی پیمان شکنی کردند و برای نابود اسلام از هیچ کوششی دریغ نرزدند و قرآن کریم در آیات بسیاری از دشمنی و کینه توزی یهودیان مدینه پرده برداشت و روش برخورد با آنان را تبیین نمود.

واژگان کلیدی: یهود، بنی اسرائیل، پیمان شکنی

<sup>۱</sup> -استاد حوزه علمیه ایمانیه تاکستان  
<sup>۲</sup> -طلبه سطح دو حوزه علمیه ایمانیه تاکستان

قرآن کتاب آسمانی برای هدایت انسان به مقصد اعلا و مقصد والا است برای رساندن انسان به هدف ارجمندی که برای او ترسیم کرده است در قالب های گوناگون در قرآن کریم قرار داده است حتی در میان مجموعه اقوام و ملت ها که شرح و حال و زندگی و سوانح حیات اجتماعی سیاسی و فرهنگی آنان در قرآن عرضه شده است بنی اسرائیل برجستگی ویژه ای دارد که قرآن از بنی اسرائیل بیش از هر قوم دیگر سخن گفته است حتی با وجود پیامبران بزرگی همچون موسی کلیم الله سلیمان حشمت الله از میان آنان مبعوث شدند و کتاب آسمانی تورات بر آنان نازل شده بود هدایت را به ضلالت و گمراهی فروختند و با خیره سری و گردن کشی از صراط مستقیم روی برتافتند و راه ضلالت و گمراهی پا گذاشتند. گزارش گسترده از بنی اسرائیل در قرآن جهت قصه گویی نیست بلکه به آن جهت است که مسلمانان با روحیان و اندیشه دشمن سرسخت خود آشنا شوند و حیل های مختلفی را که قرآن کریم آشکار می کنند و از جمله در بعد اعتقادی و اخلاقی و عقاید کفرآمیز و نژادپرستی و ... که مهم ترین چالش های یهود در مقابل اسلام را قرآن کریم مطرح نموده است بررسی می کنیم.

## ۱- ریشه ی یهود

این واژه مشتق و از ریشه «هود» به معنای حرکت آرام و آهسته است. یهودیان نیز به هنگام قرائت تورات به آرامی حرکت می کردند. پس از آن درباره توجه به کار رفته است و چنان که آیه شریفه از قول یهودیان می فرماید: «أَنَا هُدْنَا أَلِيك»<sup>۱</sup> یعنی ما توبه می کنیم و باز میگردیم. برخی گفته اند یهود در اصل از این سخن قوم اخذ شده که «أَنَا هُدْنَا أَلِيك» این واژه در گذشته نشانه ی مدح و ستایش بود و پس از نسخ دین یهود به پیروان این آیین اطلاق می شود اگر چه بیانگر مدح و ستایش نیست. همچنان که «نصاری» از جمله «مَنْ أَنْصَارِي أَلِي اللَّهِ»<sup>۲</sup> اخذ شده. اما پس از نسخ شریعت عیسی به پیروان این دین اطلاق می گردد.<sup>۳</sup>

برخی معتقدند ریشه واژه یهود را باید عبری جست و جو کرد نه در زبان عربی؛ بنابراین این کلمه غیر عربی و جامد است، زیرا از واژه «یهودا» گرفته شده است؛ یهودا به ناحیه جنوبی سرزمین مقدس گفته می شد که گروهی از بنی اسرائیل در آن سکونت داشتند، در مقابل بخش شمالی که اسرائیل نامیده می شد. یهودا در اصل نام فرزند حضرت یعقوب است<sup>۴</sup> که در بین النهرین متولد شد<sup>۵</sup> و چون مادرش هنگام ولادت او شکرگذاری و ستایش نمود، او را یهودا (ستایش) نامید.<sup>۶</sup> بنی اسرائیل به اعتبار یهودا، فرزند حضرت یعقوب، به این نام خوانده شدند، سپس این نام بر همه آنان اطلاق گردید.<sup>۷</sup>

یهود با قوم یهود، اصطلاحی است مترادف با عبرانیان و اسرائیلیان که برای معرفی اخلاف قبایل اسرائیل متدین به دین موسی یا دین به کار می رود. لفظ «یهود» جمع است و مفرد آن یهودی منسوب به یهودا (قبیله و ناحیه) است و به تیره ای از سامیان گفته می شود که عبرانیان یا بنی اسرائیل و از نظر دینی کلیمی یا موسوی خوانده می شوند، حکومت قوم بنی اسرائیل به دو مملکت اسرائیل باقی ماند و در مجموع از سال ۹۷۵ تا ۵۷۶ قبل از مسیح به مدت ۳۸۹ سال برقرار بود بسیاری از اقوامی که از این سرزمین به اسارت درآمده بودند و در سرزمین های دیگر سکونت داشتند بازگشتند و یهودی نامیده شدند و می شوند و همواره تا امروز بدین اسم معروف اند<sup>۸</sup> در

۱- اعراب (۷) آیه ۱۵۶

۲- آل عمران (۳) آیه وصف (۶۱) آیه ۴۱

۳- کتاب چهره یهود در قرآن، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ص ۵۲۴

۴- همان، سمعانی، الاسناب، ج ۱۳، ص ۶ و ۵

۵- همان، سمعانی، الاسناب، ج ۱۳، ص ۶ و ۵

۶- همان، جیمزهاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۹۷۷

۷- همان، حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ ص ۹۰

۸- بهاءالدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲ ص ۲۳۸۲

قرآن کریم به یهود هم «الذین هادو» و هم «بنی اسرائیل» گفته شده است و «الیهود» هشت بار و یک بار هم کلمه یهودی به کار رفته است و دوبار با وصف «هود» جمع «هائد» یاد شده است. و چنین بر می آید که در عرف قرآن کریم مواد از بنی اسرائیل، یهود قدیم و مراد از یهود، یهودیان معاصر حضرت رسول صلی الله علیه و آله ساکن مدینه و شهرک ها و قلعه های پیرامون آن است.<sup>۱</sup>

## ۲- اعمال یهود از دیدگاه قرآن

### ۲-۱- زشتی رفتار بنی اسرائیل از دیدگاه قرآن

در هر کجا که قرآن بحث از بنی اسرائیل می کند آنها را مستحق دوری از رحمت حق می داند خداوند پیرامون کافرین از آنها چنین می فرماید: لِحَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸) كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۷۹) تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ (۸۰)

«آنانکه از بنی اسرائیل کفر و لعن پروردگار شدند، و این موضوعی بود که بر زبان داوود و عیسی بن مریم جاری شد این نتیجه نافرمانی آنها بود در حالیکه ایشان مردمی متجاوز آنان از بودند زشتی هائی که بدان آلوده بودند دست بر نمی داشتند چه زشت بود، رفتاری را که داشتند می بینی گروه زیادی از آنان که مردم چه کافر را دوست می دارند؛ چه زشت است آنچه را که قبلاً نفوسشان برای ایشان آورد باینکه خداوند برایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب دائمی خواهند بود»<sup>۲</sup>

«یعنی خداوند کنار بنی اسرائیل را از رحمت خود، دور ساخت و در «زیور» پیغمبر خود، «داوود» «انجیل» پیغمبر خود، «عیسی» این جریان را بیان فرمود و سبب آن را سرکشی و بی اعتنائی به حرامهای خدا و پیامبران او کناره گیری از نصیحت و بار نداشتن آنها را از زشتی معرفی نمود. بدیهی است که نهی از منکر سبب پیدایش فضایل اخلاقی است و هر اجتماعی که این قانون را اجرا کند، خود، نشان دهنده احساس مسئولیت و تکلیف است به صورتی که پیوسته مصلحت های اجتماعی در نظر گیرد نه فرد خاص ترک این وظیفه نتیجه اش بی باکی بدکاران و گستاخی آنها، در تظاهر به گناه و زشتی ها است که به دنبالش آلوده شدن دیگران به این بیماری است و ما امروز، خود شاهدیم که چگونه فساد و گناه ملتها را به سقوط و انحطاط کشانده و آنها را سزاوار عذاب و کیفر الهی ساخته است.

<sup>۱</sup> - رک: جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۹۸۱

۱- مائده، آیه ۷۷ تا ۸۰

قرآن بعد از آنکه این بیماری را برای یهود معرفی کرده راه دیگری از زشتی رفتار آنها، بیان میکند و آن اینکه، یهود، با مشرکین بت پرست، پیمان وحدت و جنگ علیه مسلمین می بست و آنها را از یاران خود قرار می داد در نتیجه، سزاوار خشم خداوند و زیست در آتش جهنم گردید.

## ۲-۲- گوساله پرستی و موضع قرآن:

داستان گوساله پرستی یهود در قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته، به گونه ای که این ماجرا در چهار سوره از قرآن<sup>۱</sup> تبیین شده است. مطابق آیات حضرت موسی برای مناجات و دریافت تورات به کوه طور رفت و قرار بود این مأموریت سی روز به طول انجامد در طول این مدت حضرت موسی برادرش هارون را جانشین خود کرد اما ده روز دیگر از جانب خداوند نیز به این مأموریت افزوده شد پس از اتمام مأموریت زمانیکه حضرت موسی می خواست به میان قوم خود برگردد از طریق وحی باخبر شد که فردی به نام «سامری» آنها را گمراه ساخته است: لذا با خشم و عصبانیت به سوی قوم خود مراجعت کرد.

قرآن صحنه بازگشت و برخورد موسی با بنی اسرائیل را این گونه گزارش می دهد: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بُئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَيْتُمُ اللَّوْحَ وَأَخَذْتُمْ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»<sup>۲</sup>

و چون موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت به آنان گفت: پس از رفتن من، بد جانشینی برایم بودید، آیا می خواستید کار پرودگارتان [فرو فرستادن تورات پیش از زمانش تحقیق یابد؛<sup>۳</sup> آن گاه صحیفه های تورات را افکند و سر برادرش هارون را با چنگ زدن به موهایش گرفت و او را به سوی خود می کشید. هارون گفت: ای پسر مادرم، این قوم مرا به ناتوان کشاندند و نزدیک بود مرا [به خاطر مخالفت با گوساله پرستی ها بکشند. پس دشمنان را [با نکوهش من] شادمان مساز و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده] این حادثه که سطحی بودن ایمان بنی اسرائیل را به خوبی نشان می دهد معلول عوامل مختلفی است. زیرا از یک سو بنی اسرائیل سالیان سال در مصر شاهد گاوپرستی یا گوساله پرستی مصریان بودند و از سوی دیگر هنگامی که از دریای سرخ زندگی می کردند. توجه آنها را به خود جلب کرد و از موسی علیه السلام تقاضای بتی همانند بت آنها کردند که موسی آنان را به شدت ملامت و سرزنش کرد علاوه بر آن تمديد میقات موسی (ع) از سی شب به چهل شب نیز موجب شد شایعه مرگ موسی (ع) را برخی از منافقان در

<sup>۱</sup> - بقره (۲) آیه ۵۴، ۹۲-۹۳ نساء (۴) آیه ۱۵۳، اعراف (۷) آیه ۱۴۸-۱۵۴ و طه (۲۰) آیه ۸۵ تا ۹۷

<sup>۲</sup> - اعراف (۷) آیه ۱۵۰

<sup>۳</sup> - بقره (۲) آیه ۵۰

میان بنی اسرائیل منتشر کنند. جهل و نادانی بسیاری از این قوم و نیز مهارت و زبردستی سامری در اجرای نقشه خود از دیگر عوامل مؤثر در این ماجرا بود.

که مجموعاً سبب شد در مدت کوتاهی اکثریت بنی اسرائیل به بت پرستی روی آوردند و گوساله پرست شدند.<sup>۱</sup> داستان گوساله پرستی یهود که در قرآن آمده با کمی تفاوت در کتاب مقدس منعکس شده است و در باب ۳۲ از سفر «خروج» این گونه آمده است. «وقتی بازگشت موسی از کوه سینا به طول انجامید. مردم نزد هارون جمع شده گفتند: برخیز و برای ما خدایی بساز تا ما را هدایت کند چون نمی دانیم بر سر موسی که ما از مصر بیرون آورد چه آمده است. هارون گفت گوشواره های طلا را که در گوش های زنان و دختران و پسران شماست پیش من بیاورید قوم گوشواره های طلای خود به هارون دادند هارون نیز گوشواره های طلا را گرفت و آنها را ذوب کرده و قالب که ساخته بود ریخت و مجسمه ای به شکل گوساله ساخت قوم اسرائیل وقتی گوساله را دیدند فریاد زدند گفتند ای بنی اسرائیل این همان خدایی است که شما را از مصر بیرون آورد. هارون با دیدن این صحنه، یک قربانگاه نیز جلوی آن ساخت و گفت: فردا برای خداوند جشن می گیریم.»<sup>۲</sup>

قرآن کریم بر خلاف داستانی که در تورات نقل شده است، ساحت حضرت هارون را از چنین کار ناروایی پاک دانستن و می فرماید: «وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونَ مِنْ قَبْلُ أَنْمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَأَنَّ رَبَّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي»<sup>۳</sup> و هارون پیش از این به آنان گفته بود: ای قوم من شما به وسیله این گوساله مورد امتحان قرار گرفته اید و بی تردید پروردگارتان [خدای] رحمان است و قطعاً پروردگار شما خدای رحمان است پس از من پیروی کنید و فرمان مرا اطاعت نمایید.»

### ۲-۳- پیمان شکنی بنی اسرائیل با خدا

قرآن پیرامون چگونگی پیمان گیری خداوند و نحوه پیمان شکنی یهود چنین می فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمْ وَاتَّقَيْتُمْ بِرِسَالِي وَعَدَّ تَمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمْ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا لَا كَفْرَنَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دَخَلْنَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ فَدَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.»<sup>۴</sup> «خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و دوازده رئیس از میان ایشان برانگیخت و گفت اگر شما نماز بخوانید و زکات دهید و به پیامبران من ایمان بیاورید و به ایشان احترام گذارید و به پروردگار خود وام نیکو دهید. من با شما خواهم بود و زشتی های شما را جبران نموده و به بهشتی خواهم برد که نهرهای آب از زیر او

۱- ناصر مکارم شیرازی و ... تفسیر نمونه، ص ۳۷۰

۲- مواجهه قرآن با یهود (به نقل) کتاب مقدس سفر خروج ۳۲/۱-۵

۳- طه (۲۰) آیه ۹۰

۴- نساء آیه ۱۵۴

جاری است، پس هر کس بعد از این، کافر شد هر آینه را گم کرده‌است ولی بخاطر اینکه آنها، پیمان شکستند از رحمت خود، دورشان ساختیم و دل‌های ایشان را سخت و محکم نمودیم.»  
 خداوند در این دو آیه از یهود پیمان میگیرد که دست از طاعت حق بر ندارند و بر آنها دوازده نفر رئیس گماشت و به آنها وعده داد که اگر نماز بخوانند و زکات بدهند و پیامبران خدا را تصدیق کنند و بر راه خیر و نیک انفاق نمایند خداوند به آنها کمک خواهد کرد و از گناهانشان خواهد گذشت و آنها را در بهشت منزل خواهد داد ولی آنکس که پس از این کافر شود هر آینه از راه منحرف شده است. لیکن چون بنی اسرائیل پیمان را شکستند سزاوار دوری از رحمت پروردگار شدند و قلب و دل آنها سخت شد و دیگر برای پذیرش حق نرمی و نفوذ نداشت. سپس پیامبران را بدون جرم کشتند و این خود یک واقعیتی است که خداوند بار دیگر بیان می‌فرماید.  
 فَمَا نَفَيْهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَعَّ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ پس به علت شکستن عهد و پیمان و کافر شدن به آیات و نشانه های حق و کشتن پیامبران بدون جرم و سخن آنها که قلب مادر غلاف است و نمی شنود، خداوند دل های آنها را با کفر مهر کرد، پس ایمان نیاوردند مگر دسته ناچیزی»

## ۲-۴- بی بهره گی بنی اسرائیل از هدایت خداوند

قرآن درباره طایفه ای از یهود که تحت تأثیر تعالیم تورات واقع نشده و به آنها عمل نکرده چنین می‌فرماید: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا. کسانی که به تورات خود عمل نکردند همانند چهارپایانی هستند که بر پشت آنها کتاب گذارند.<sup>۱</sup>  
 خداوند یهود را به جهت اینکه به کتاب خود عمل نمیکنند و از هدایت بی بهره شده اند، به چهارپایانی تشبیه می‌کند که کتابهای سنگینی بر پشت دارند و به جهت نداشتن درک عقل نمی‌دانند محتویات آن چیست و برای آنها تفاوتی بین این بار با بارهای دیگر نیست.  
 بدیهی است که در این صورت غیر از خستگی بهره ای دیگر نخواهند داشت زیرا به دانستنی های خود عمل نکردند و دانش برای آنها سودی نبخشید. این خطاب به ظاهر گرچه متوجه یهود است ولی مسلمانان هم که با آشنائی به مبانی دینی خود عمل نمی‌کنند، در بر می‌گیرد، زیرا کسی که حافظ قرآن و آشنائی به دستوراتی او است ولی به دستورات او بی اعتنا است مانند همان چهار پائی است که کتاب بر پشت او است. باز قرآن درباره ی دسته ای از یهود چنین می‌فرماید: وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ<sup>۲</sup> «پاره ای از یهود آشنایی به خواندن و نوشتن نیستند و آگاهی از کتاب ندارند «یعنی آشنایی به دستورات و احکام تورات نیستند) ولی به صورت

<sup>۱</sup> - سوره جمعه: آیه ۴

<sup>۲</sup> - بقره، آیه ۷۷

آرزوهائی در خیالات خود می‌پزوراند (یعنی تنها در خیالات خود صورت احکام و مطالب تورات را ترسیم می‌کنند). در یک چنین افکاری در هر ملت و قومی که در حال ضعف و سقوط اند وجود دارد که به عقائد اجداد خود افتخار می‌کنند و به آثار دینی آنها می‌بالند بدون اینکه از خود چیزی داشته باشند اینها تصور می‌کنند که همین در سعادت و خوشبختی آنها کافی است ولی این فقط یک پندار بیهوده است.<sup>۱</sup>

### ۳- مواضع خصمانه یهود در برابر پیامبر و اسلام

با بعثت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله انتظار می‌رفت پیروان ادیان توحیدی به ویژه یهودیان که از گذشته مژده ظهور پیامبر جدید را در **جزیره العرب** داده بودند. با پیروی از آیین اسلام بر ضد شرک و بت پرستی قیام نمایند و از این فرصت برای هدایت خویش بهره مند شوند اما به گواه تاریخ و آیات قرآن آنان نه تنها ایمان نیاوردند بلکه با لجاجت و عناد به مقابله با اسلام پرداختند و دست به تحقیر و تمسخر پیامبر و مسلمانان زدند و با توطئه‌گری، تفرقه افکنی و شعبه پراکنی مشکلات فراوان برای مسلمانان به وجود آوردند در این بخش اقدامات یهود و نیز موضع‌گیری و استراتژی قرآن را در مقابل آنها بررسی می‌کنیم.

برای خوشایندی گروهی خاص به آنان روی آورد و با دسته‌ای دیگر مخالفت نماید: بلکه پیامبر مجری دستورات خداست و رسالت او برای عده خاصی نبود: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أُنْتُمْ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»<sup>۲</sup>. بنابراین رسالت آن حضرت تنها برای عرب و برای جلوگیری از پرستش بت هان بود، او به سوی همه مردم مبعوث شده بود. از جمله یهودیان تا بدعت‌ها و باورهای فاسدی را که آنها را از اصول تعلیمات خودشان منحرف ساخته بود اصلاح نماید.<sup>۳</sup>

قرآن دعوت اسلام را شامل یهودیان دانسته و می‌فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (۴۰) وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ (۴۱) وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۲)»: ای بنی اسرائیل نعمت مرا که به شما ارزانی داشته‌ام به خاطر داشته باشید و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز با پیمانی که با شما بسته‌ام وفا کنم و تنها از من بیم داشته باشید و به آنچه نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید که نشانه‌های آن با آنچه در کتاب‌های شما [انجیل و تورات] است. مطابقت دارد و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید و تنها از من پروا کنید و حق را در چهره باطل آشکار نسازید و حقیقت را

<sup>۱</sup> - کتاب مواجهه قرآن با یهود به نقل تفسیر المنار ج ۱ ص ۳۵۹

<sup>۲</sup> - اعراف (۷) آیه ۱۵۸

<sup>۳</sup> - مواجهه قرآن با یهود علی اکبر موسی به نقل عبدالفتاح طبار، عقیف، اليهود فی القرآن ص ۱۷

<sup>۴</sup> - بقره (۲) آیه ۴۰ - ۴۲



با آنکه می دانید کتمان نکنید. برخی از یهودیان نزد پیامبر اسلام (ص) آمدند و گفتند: تو گمان می کنی خداوند تو را به رسالت به سوی ما فرستاده است و کتاب آسمانی بر تو نازل کرده است در حالی که خداوند در تورات ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوردیم تا آنکه قربانی ای بیاورد که آتش آن را بخورد، اگر چنین معجزه ای بیاوری تو را تصدیق می کنیم. خداوند در پاسخ به آنان آیه ۱۸۳ آل عمران را نازل فرمود: <sup>۱</sup> الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِلَيْنَا اَلَّا نُوْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يَأْتِيَنَا بِقُرْبٰنٍ تَاْكُلُهٗ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِيْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ <sup>۲</sup> کسانی که گفتند خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برایما [به نشانه صدق نبوتش] یک قربانی بیاورد که آتش [غیبی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند، بگو قطعاً پیش از من پیامبران دلایل روشن و آنچه گفتید برای شما آورده اند اگر راست می گوئید پس چرا آنان را کشتید؟

### ۳-۱- موضع قرآن

نقل شده است که خوردن قربانی بر بنی اسرائیل حرام بود، آنان قربانی را در داخل خانه ای بدون سقف قرار می دادند و پیامبر آن زمان با خدا مناجات می کرد تا آن قربانی مورد قبول قرار گیرد و علامت پذیرش از سوی خدا این بود که آتشی سفید بدون دود با صدای مهیب از آسمان فرود آمد و قربانی را درهم پیچید و می سوزاند. یهودیان می گفتند در تورات آمده است که تنها به پیامبر ایمان می آورند که یک قربانی بدین شکل بیاورد. <sup>۳</sup>

الَّذِينَ قَالُوا اِنَّ اللّٰهَ عٰهَدَ اِلَيْنَا اَلَّا نُوْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يَأْتِيَنَا بِقُرْبٰنٍ تَاْكُلُهٗ النَّارُ...<sup>۴</sup> سدی در توضیح این ادعای یهودیان می گوید: خدای متعال در تورات به بنی اسرائیل فرمود: به هیچ پیامبری ایمان نیاورید، مگر آنکه قربانی ای بیاورد که آتشی [غیبی] آن را بخورد [بسوزد] تا هنگامی که عیسی (ع) و محمد (ص) به رسالت مبعوث شوند. چون ایشان شما را دعوت کردند ایمان بیاورید و از ایشان قربانی مطالبه نکنید.<sup>۵</sup>

قرآن در پاسخ به ادعای یهودیان می فرماید: «... قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِيْ بِالْبَيِّنٰتِ: <sup>۶</sup> بگو قطعاً پیش از من پیامبرانی دلایل روشن برای شما آورده اند». این فراز از آیه شریفه تصریح می

<sup>۱</sup> - کتاب مواجهه قرآن علی بن محمد و اسباب نزول القرآن، ص ۱۸۳

<sup>۲</sup> - آل عمران (۳) آیه ۱۸۳

<sup>۳</sup> - کتاب مواجهه قرآن با یهود به نقل از ابوالفتوح رازی. روض الجنان ج ۵، ص ۱۹۱ و ملافتح الله کاشانی. تفسیر منهج الصادقین ج ۲، ص ۳۹۴

<sup>۴</sup> - آل عمران (۳) آیه ۱۸۳

<sup>۵</sup> - کتاب مواجهه قرآن با یهود ملافتح الله کاشانی تفسیر منهج الصادقین ج ۵، ص ۳۹۵

<sup>۶</sup> - آل عمران (۳) آیه ۱۸۳

نماید که پیامبران الهی دلایل روشن و معجزات متعددی داشته اند. بنابراین تنها قربانی نشانه تمایز میان فرستادگان خدا و دیگران نبود. بلکه فرستادگان الهی دلایل و بینات دیگری نیز داشتند علاوه بر آن در ادامه آیه درباره ادعای ایمان یهود به پیامبران گذشته می فرماید: وَ بَلَدَى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتَهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». قرآن در آیه فوق یهودیان معاصر با پیامبر را قاتل پیامبران الهی معرفی کرده است. در حالی که آنان مرتکب قتل نشده بودند دلیل این موضوع آنگونه که از روایات نیز استفاده می شود این است که آنان نیز از این عمل اجداد خود راضی بودند و به همین جهت قتل پیامبران گذشته به آنها نسبت داده شده است.<sup>۱</sup> در آیه بعد خداوند به پیامبر اسلام دلداری می دهد و می فرماید یهودیان در تکذیب پیامبران پیشینه تاریخی دارند: فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ<sup>۲</sup> اگر [این یهودیان بهانه جو] تو را تکذیب کردند. غمگین نباش. مسلماً رسولانی که پیش از تو دلایل روشن در نوشته های [مشمول بر پند و موعظه] و کتاب روشنگر آورده بودند، تکذیب شدند. یهودیان نه تنها از پذیرش اسلام سر باز زدند بلکه در مقابل پیامبر موضع گرفتند و تلاش کردند شخصت پیامبر را در نزد مردم خدشه دار نمایند. آنها دشمنی و مخالفت با پیامبر را به جایی رساندند که قرآن آنان را سرزنش و ملامت می کند و می فرماید: وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۳</sup> و زمانی که فرستاده ای از جانب خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده توراتی است که با آنان است. گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود (با کمال گستاخی) کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند] چنان که گویی نمی دانند [که کلام خدا است].

از نگاه قرآن کریم یهودیان با کفر ورزیدن به قرآن در حقیقت خود را به بهایی فروختند زیرا معیار تعیین ارزش و بهای انسان به مدام و آیینی است که بر می گزینند و آنچه آدمی در برابر کفر به قرآن و از دست دادن دین الهی به چنگ آورده پست و ناچیز است. آنان با حسادت به پیامبر (ص) که از کفرورزی آنها سرچشمه می گرفت به دلیل گزینش رسول اکرم (ص) به پیامبری و نزول روحی بر آن حضرت به خداوند اعتراض کردند و به رغم اطمینان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر به آن کافر شدند از این رو خشم و غضب خدا و عذابی خوار کننده گرفتار خواهند شد.<sup>۴</sup> بِئْسَمَا

<sup>۱</sup> - کتاب مواجهه قرآن با یهود به نقل عروسی حویری - تفسیر نوالثقلین ج ۱ ص ۴۱۶

<sup>۲</sup> - آل عمران (۳) آیه ۱۸۴۳

<sup>۳</sup> - بقره (۲) آیه ۱۰۱

<sup>۴</sup> - ر. ک: اکبر هاشمی رفسنجانی و ... تفسیر راهنما ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۷۸

اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاؤُوا  
بِعُضْبٍ عَلَيَّ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی در شرح آیات ۶۳-۷۴ سوره بقره که درباره لجاجت و نافرمانی قوم یهود نازل شده است می فرماید: بنی اسرائیل لجوج ترین امت ها بودند و از هر امتی نسبت به انقیاد در برابر حق دورتر بودند، همچنان که کفار عرب این گونه بودند؛ با دقت در قصه های بنی اسرائیل در قرآن کریم می توان به اسرار اخلاق آنها پی برد؛ آنان مردمی فرو رفته در مادیات بودند که جز به لذایذ مادی و حق به چیز دیگری فکر نمی کنند آنها جز در برابر لذات و کمالات مادی تسلیم نمی شدند و به حقایق ماوراء حس ایمان نمی آوردند همچنان که امروز نیز همین طورند.<sup>۲</sup>

### ۳-۴-تحقیر و تمسخر پیامبر و مسلمانان

یهودیان ثروتمند مدینه که با گسترش و پیشرفت اسلام منافع خود را درخطر می دیدند با حرکت های ناپسند و اشعار زننده و توهین آمیز در برابر مسلمانان موضع گرفتند و استهزای رسول گرامی اسلام (ص) به مسلمانان و دین مقدس اسلام را در دستور کار خود قرار دادند. برخی از یهود با سرودن اشعار توهین آمیز و به کار بردن الفاظ زشت و رکیک درمورد رسول گرامی اسلام در صدد تحقیر آن حضرت برآمدند اوج این بی احترامی ها را می توان در اشعار کعب بن اشرف مشاهده کرد. وی در اشعار خود نام زنان و نوامیس مسلمانان را می برد و با آنها اظهار معاشقه و تغزل می کرد.<sup>۳</sup>

اهانت و هتاکی برخی از یهود به جایی رسید که پیامبر (ص) دستور داد مسلمانان هر یک از شاعران و سران مودی یهود را دیدند به قتل برسانند و کشتن کعب بن اشرف در همین راستا صورت گرفت.<sup>۴</sup>

قرآن کریم از حرکات ناشایست یهود، این چنین گزارش می دهد: مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُوا غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعُوا وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛<sup>۵</sup> برخی از یهودیان، کلمات را از جاهای خود تغییر می دهند و با پیچاندن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبری به عربی] می گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی. و نیز [نیز از روی استهزا می گویند:] را عنا [که

۱ - بقره (۲) آیه ۹۰

۲ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰

۳ - کتاب چهره یهود در قرآن، ابن هشام، السیره النبویه، ص ۴۰۶

۴ - همان

۵ - نساء (۴) آیه ۴۶

در عربی یعنی به ما توجه کن. ولی در عبری یعنی ما را تحمیق کن] و اگر آنانمی گفتند «شنیدیم و فرمان بردیم، و بشنو و به ما بنگر»، قطعاً برای آنان بهتر و درست تر بود. ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی آوردند.

در این آیه به چهار مطلب اشاره شده است: اول، تحریفی که در اینجا از آن سخن گفته شده به قرینه ادامه آیه تحریف لفظی است نه معنوی؛ دوم یهودیان به جای آنکه در برابر دستورهای خداوند و گفتار رسول اکرم (ص) بگویند شنیدیم و عمل کردیم. با گستاخی و بی ادبی می‌گفتند شنید و مخالفت می‌کنیم؛

سوم، عرب‌ها هنگام گفت و گو به مخاطب خود می‌گویند: اسمع اسمعک الله یعنی بشنو که خدا تو را شنوا قرار دهد، اما یهودیان معاصر پیامبر به آن حضرت می‌گفتند: «اسمع غیر مسمع یعنی بشنو که ناشنوا باشی» چهارم، یاران پیامبر هنگام گفت و گو با آن حضرت با شنیدن سخنان اومی گفتند؛ «راعنا» یعنی در مورد ما رعایت کن و تأمل نما تا سخنان را به دل بسپاریم یا بنویسیم. لکن یهودیان این واژه را دستاویزی برای تمسخر قرار داده و «راعنا» را به معنای «ما را تحمیق کن» به کار می‌بردند و در حقیقت مصدر آن را «رعونت» در نظر می‌گرفتند که به معنای کودن است در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که حضرت فرمود: این که در زبان عربی دشنام و ناسزا است<sup>۱</sup> برخی از مفسران هم گفته اند یهود به جای «راعنا» «راعینا» کی گفت که به معنای چوپان است.<sup>۲</sup> موضع قرآن به دنبال حرکت اهانت آمیز برخی یهودیان دو گونه برخورد و موضع گیری از سوی قرآن صورت پذیرفته است. ۱- برخوردناشایست یهود موجب شد خداوند متعال به مؤمنان یادآوری نماید که بدون توجه به مفهوم این واژه در زبان عربی آن را در مورد پیامبر به کار نبرند به جای آن‌از واژه دیگری استفاده کنند در این زمینه آیه ۱۰۴ سوره بقره نازل شد که از مؤمنان خواسته شده هنگامی که برای درک آیات قرآن از پیامبر تقاضای مهلت کنند نگویند «راعنا» بلکه گویند «أَنْظُرْنَا» زیرا راعنا هم به معنای «بهما مهلت بده» و هم به معنای «ما را تحمیق کن» است. ۲- قرآن در آیه ای دیگر مؤمنان را از روابط دوستانه و صمیمی با این گروه از یهودیان که پیامبر ودین آن حضرت را مورد تمسخر قرار می‌دادند، بر حذر می‌دارد و دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُمَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای مؤمنان، کسانی را که دین شما را مسخره گرفته اند چهاراهلکتاب و چه از کافران دوست خود مگیرید و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید چنانچه باورهای افرادی که هنوز

۱ - کتاب مواجهه قرآن با یهود به نقل مصطفی صادقی، پیامبر صلی الله علیه و آله

۲ - ناصر مکارم شیرازی و .... تفسیر نمونه ج ۴، ص ۳۱۳

۳ - فخرالدین رازی، مفاتیح الحنیب، ۱، ص ۶۳۵ و ناصر مکارم شیرازی و ... ج ۱ تفسیر نمونه ص ۳۸۱

۴ - مائده (۵) آیه ۵۷

در ایمان از استحکام لازم برخوردار نیستند مورد تمسخر و استهزای مداوم کسانی قرار گیرد که به دانش و آگاهی شهرت دارند. فوراً متزلزل می شود و افراد برای اینکه مورد تمسخر واقع نشوند تلاش می کنند خودشان را از وابستگی هایی که سبب شده است که آنها مورد استهزا قرار گرفته اند دور کنند و رهبران یهودی از این ابزار روانی آگاهی داشتند و به همین سبب آن را به کار می گرفتند راه مقابله با این روش، ایجاد فاصله میان افراد مورد تمسخر و کسانی است که آنان را مورد تهاجم قرار می دهند و قرآن دقیقاً از همین روش بهره گرفته و بتوانند تا تازه مسلمانان به اندازه کافی نیرومند شوند و اعتماد به نفس پیدا کنند و بتوانند در برابر استهزای آنان مقاومت و از باورهایشان دفاع کنند.<sup>۱</sup>

### ۳-۵- توطئه ی یهود در ماجرای تغییر قبله

بیت المقدس قبله نخستین و موقت مسلمانان بود<sup>۲</sup> و تغییر قبله به عنوان یکی از نشانه های پیامبر اسلام (ص) در کتب پیشین ذکر شده بود و اهل کتاب می دانستند که او به سوی دو قبله نماز می خواند<sup>۳</sup> رسول گرامی (ص) و اصحاب آن حضرت، قبل از هجرت ومدتی پس از هجرت به سوی بیت المقدس نماز می خواندند. یهودیان این موضوع را دستاویزی برای خود قرار داده و همواره مسلمانان را سرزنش می کردند و به آنان طعنه می زدند که قبله مستقلی ندارند. آنان می گفتند با آیین ما مخالفت می کنند. اما به سوی قبله ما نماز می خوانند. پیامبر از این موضوع ناراحت بود و دوست داشت به طرف کعبه نماز بگذارد از این رو پیوسته در انتظار فرمان خدا بود.<sup>۴</sup> مشهور مفسران اتفاق نظر دارند که پیامبر (ص) در انتظار صدور فرمان تغییر قبله بود که آیه ۱۴۴ سوره بقره نازل شد:<sup>۵</sup> «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَكِّينَكَ قِبْلَةً نَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الْأُدِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»<sup>۶</sup>.

اما پس از تغییر قبله یهودیان مدینه با اتخاذ موضعی خصمانه دست به توطئه دیگری زدند که قرآن کریم آن را این گونه گزارش می کند: وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَآكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷۲) وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ

۲- مواجهه قرآن با یهود به نقل محمدعلی سلطانی در گزارش قرآن از یهودیان مدینه، فصلنامه فرهنگ جهاد شماره ۳ و ۴ ص ۲۲۸

۳- ناصر مکارم شیرازی و .... تفسیر نمونه ج ۱، ص ۴۹۲

۴- مواجهه قرآن با یهودالتنزیل و اسرار التامیل ج ۱، ص ۱۱۲ طبرسی تفسیر جوامع الجامع ج ۱ ص ۸۷

۱- علی بن ابراهیم قمی تفسیرقمی ج ۱- ص ۱۶۳ آلوس روح المعان ج ۱ ص ۴۰۶ فخرالدین رازی مفاتیح الحنیب ج ۴ ص ۹۴ و طبرس مجمع البیان فی التفسیرالقرآن ج ۱ ص ۴۲۰

۲- فخرالدین رازی مفاتیح الحنیب ج ۴ ص ۹۴

۱- بقره (۲) آیه ۱۴۴

الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مَثَلًا مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (۷۳) يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۷۴) و گروهی از اهل کتاب [عالمان یهود] به پیروان خود گفتند اول روز به آنچه [از آیات قرآن در تأیید قبله شما] بر مؤمنان نازل شد [به مکر و حيله] ایمان آوردید و آنچه را که در پایان روز نازل شد [و به قبله دیگری برای آنان تعیین نموده] انکار کنید شاید [مؤمنان با ایمان و انکار شما به تردید افتند و] از دینشان بازگردند و جز به کسی که از آیین شما پیروی کرده است اعتماد نکنید [نشانه های پیامبر موعود را که تغییر قبله از آن جمله است برای او باز مگویید. ای پیامبر] به آنان بگو هدایت فقط هدایت الهی است [و گفتند ای همکیشان آنچه را که می دانید فاش نکنید] مبدا نظیر آنچه [در استقلال در قبله] به شما داده شده به مسلمانان نیز داده شود یا آنان نزد پروردگارتان با شما محاجه کنند [و بر شما پیروز شوند] بگو فضل و رحمت [که نبوت کتاب معجزه و قبله از جلوه های آن است] به دست خداست به هرکس بخواهد می دهد خدا بسیار عطا کننده و داناست رحمت را به هر که بخواهد اختصاص می دهد و خداوند دارای بخشش بزرگ است. آیات یاد شده بیانگر این است که یهودیان به یکدیگر گفتند: پیامبر اسلام و مؤمنان او را نماز خواندن و به سوی بیت المقدس در اول روز (نماز صبح) تصدیق کنید ولی نماز خواندن به طرف کعبه در آخر روز را تصدیق نکنید و در آشکار ساختن این راز به غیر خودتان اعتماد نکنید و به هیچ عنوان مسلمانان را آگاه نکنید که یکی از شواهد نبوت پیامبر موعود تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است زیرا اگر موضوع تغییر قبله را تصدیق کنید و آنچه آسمانی خود می دانید به مسلمانان بگویید و دلایل درستی نبوت پیامبرشان را آشکار نمایید، مسلمانان نیز همه همانند شما دارای قبله خواهند شد. در این صورتما سیادت و آقایی شما از میان خواهد رفت و دیگر نمیتوانید در میان ملت های مختلف دنیا افتخار کنید که تنها دارای قبله اند ضمن آنکه نزد خدا نیز هیچ حجتی نخواهید داشت چون زمانی که این راز را آشکار کردید خداهم خواهد دانست که شما از سال ها قبل از ماجرای قبله جدید باخبر بوده اید؛ از این رو نمی توانید عذر بیاورید و بگویید که ما از حقانیت آن بی خیر بودیم و بدین جهت به نبوت پیامبر اسلام ایمان نیاوردیم.<sup>۲</sup>

مرحوم علامه طباطبایی در ادامه مطلب فوق می فرماید: برخیز مفسران گفته اند مقصود از «آمنوا بالذی انزل علی الذین آمنوا و جه النعار و کفروا آخره لعلهم یرجعون» این بوده که گروهی از یهودیان به قرآنیان بیاورند و با مؤمنان مخلوط شوند. سپس در پایان روز م // شوند و وانمود کنند که ما صبح مسلمان شدیم. ولی در آخر روز برایمان ثابت شد که این دعوت صحیح نیست

<sup>۱</sup> - آل عمران (۳) آیه ۷۳-۷۴

<sup>۲</sup> - سید محمدحسین طباطبایی، المیزان ۳ص ۲۵۶

چون شواهدی بر بطلان آن یافتیم و آن را با بشارت های مربوط به نبوت و نشانه های حقانیت پیامبر که نزد ما بود. هماهنگ ندیدیم. آنان تلاش کردند با این نقشه و توطئه مؤمنان را دچار تردید کنند. سپس علامه می فرماید: هرچند چنین اقدامی از یهودیان که همواره در حال توطئه علیه اسلام بوده اند. بعید نیست ولی الفاظ آیه و نیز روایتی که در شأن نزول این آیات از ائمه آمده، با چنین برداشتی انطباق ندارد. بلکه مقصود مورد نظر ما یعنی تغییر قبله را تأیید می کند<sup>۱</sup> در روایتی از امام محمد باقر (ع) که حضرت فرمود: هنگامی که پیامبر خدا وارد مدینه شد. به سوی بیت المقدس نماز میخواند یهودیان خیلی خوشحال شدند و پس از آنکه خداوند قبله را در وسط نماز ظهر از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر داد یهودیان سخت ناراحت شدند و گفتند محمد(ص) نماز صبح را به طرف بیت المقدس (قبله ما) خواند و همه شما یهودیان به این دستور که در اول روز بر محمد (ص) نازل شد. ایمان بیاورید و بدانچه در آخر روز نازل شده کفر بورزید و منظور آنها از آنچه در آخر روز نازل شده، همان تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است.<sup>۲</sup> موضع قرآن = خداوند متعال به سخنان یهود که در آیات ۷۲-۷۴ سوره آل عمران منعکس شده است. پاسخ داده است در مورد اینکه گفتند به آنچه در بامدادان نازل شده، ایمان آورید و به آنچه در آخر روز آمده کافر شوید و بشارت تغییر قبله را به مسلمانان نگوید تا آنها به سوی حق هدایت نشوند فرمود: هدایتی که مؤمنان بدان نیازمندند هدایت حقی است که همان هدایت خدای متعال نه هدایت شما: بنابراین مؤمنان به هدایت شما نیازی ندارند، شما به فکر خویش باشید و اگر می خواهید از هدایت خدا بهره مند شوید و اگر نمی خواهید در کفر باقی بمانید.

بشارت تغییر قبله را آشکار کنید در قسمتی دیگر از گفتار یهود آمده است و اگر راز تغییر قبله را فاش کنید و مسلمانان به سوی کعبه نماز گزارند آنان نیز همانند شما از افتخار داشتن قبله برخوردار خواهند شد؛ در پاسخ فرموده فضل در اختیار خداست و خدا آن را به هرکس که بخواهد می دهد و فضل خدا در دست شما نیست تا آن را انحصار خود بدانید و از دیگران دریغ نمایید.

اما در مورد این سخن که گفتند می ترسیم خدا متوجه شود و دیگر نتوانیم نزد خدا بهانه بیاوریم زیرا بطلان این سخن آن قدر روشن است که نیازی به پاسخ ندارد و در آیه دیگری متعرض همین بهانه جویی و محاجه شده است.

<sup>۱</sup> - همان ص ۲۵۷

<sup>۲</sup> - علی بن ابراهیم قمی: تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۰۵

بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٧٦) أَوْلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (٧٧)؛<sup>۱</sup> تغییر قبله مسلمانان از یهود و نیز مرزبندی میان مسلمانان و یهود صورت پذیرفته است فاصله گرفتن از یهود در آن روز که هیچ امیدی به ایمان آوردن آنها نبود ضروری و لازم بود. چنان که نسخ روزه عاشوار نیز به همین منظور بود. یهود پیش اسلام، روز عاشوار را روزه می‌گرفتند پیامبر و مسلمانان نیز قادر بودند که آن روز را روزه بگیرند سپس فرمان روز عاشورا منسوخ شد و روزه گرفتن در ماه رمضان واجب گردید: به هر حال دین اسلام که از هر نظر برتری دارد باید به گونه ای جلوه کند که تکامل و برتری آن روشن و بارز باشد

### ۳-۶- تفرقه افکنی

قدرت اسلام در سایه تعالیم حکیمانه رسول گرامی اسلام در مدینه روز به روز افزایش می یافت و اسلام با نفوذ در میان توده های مختلف موجب همدلی و اتحاد شده بود. اختلافات قبیله ای رو به سردی نهاده و اتحاد و یکپارچگی در تحت لوای اسلام جایگزین تعصبات قومی و کینه های دیرینه شده بود برخی از یهودیان مدینه که از مشاهده عظمت اسلام و اتحاد و انسجام مسلمانان سخت ناراحت بودند. تلاش می کردند با نفوذ در میان قبایل مسلمان آتش شقاوت و کینه و اختلاف را در بین آنها شعله ور سازند و با برانگیختن تعصبات قومی آنها را به جان بیندازند و شاس بن قیس یهودی که همواره به مسلمانان طعنه میزدند، وقتی مشاهده کرد گروهی از اوس و خزرج پس از اسلام کینه های دیرینه را کنار گذاشته و با یکدیگر با مهر و محبت برخورد می نمایند. با جسارت و رشک فراوان نزد آنها رفت و آنان را به یاد جنگ های قبیله ای پیش از اسلام انداخت سپس با خواندن اشعار که در میدان جنگ علیه یکدیگر می خواندند، تعصب جاهلی آنها را تحریک کرد به گونه ای که با برداشتن سلاح در مقابل هم قرار گرفتند و فریاد جنگ سر دادند. ماجرا به پیامبر اکرم (ص) گزارش شد حضرت به میان آنها آمد و فرمود: آیا می خواهید به جاهلیت برگردید، در حالی که من در میان شما هستم و خداوند شما را به اسلام هدایت نمود، شما را از کفر نجات داد و دل های شما را که سال ها از هم دور بود به هم نزدیک ساخت و میان آنها پیوند برقرار کرد. آنها با شنیدن سخنان پیامبر بیدار و از نیرنگ دشمن آگاه شدند و در حالی که دست همدیگر را می فشردند و اشک شادی می ریختند با پیامبر همراه شدند و در حالی که دست همدیگر را می فشردند و اشک شادی می ریختند با پیامبر همراه شدند در نتیجه حيله و نقشه شاس بن قیس بر آب شد و پیرامون این ماجرا آیاتی از قرآن نازل شد.<sup>۲</sup>

### ۳-۶-۱- موضع قرآن

<sup>۱</sup> - بقره (۲) آیه ۷۶ و ۷۷

<sup>۲</sup> - رک: بن هشام، السیره النبویه ج ۲ ص ۵۵۷-۵۵۵



قرآن کریم در موضعی هوشمندانه و دقیق یهودیان را به سبب بازداشتن مسلمانان از راه خدا توبیخ کرده و مبارزه آنان با اسلام را از روی علم و آگاهی به حقانیت اسلام دانسته و در مورد تفرقه افکنی در میان مؤمنان هشدار می دهد قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ<sup>۱</sup> بگو ای اهل کتاب چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می دارید و آن [راه] را کج می شمارید با آنکه خود [به راستی آن] گواھید و خدا از آنچه انجام می دهید غافل نیست<sup>۲</sup> در آیات بعد تلاش گروهی از اهل کتاب را برای بازگرداندن اهل ایمان به کفر یادآوری شده و لزوم هوشیاری مؤمنان را در برابر تلاشهای گمراه کننده دشمنان خواستار شده و نیز پاسداری از مرزهای اعتقادی را از وظایف همه مؤمنان معرفی نموده است و در ادامه قرآن و پیامبر را وسیله هدایت انسان و پاسداری از ایمان و عقیده دانسته و تمسک به خدا را عامل هدایتانسان به صراط مستقیم برشمرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (۱۰۰) وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۰۱)<sup>۳</sup>

### نتیجه گیری

با توجه به آیات و روایاتی که در قرآن کریم در مورد بنی اسرائیل اشاره شد آن ها اعمال و رفتارهای زشت خود را ترک نکرده و بر اعمال ناشایست خود ادامه داده و هم چنین با توجه به توصیه های پیامبر اکرم (ص) دست از تفرقه افکنی های خود برداشتند و به صراط مستقیم هدایت نشدند و برای نابودی اسلام از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.

### منابع

#### قرآن کریم

۱- تفسیر مکارم شیرازی،

تفسیر سید محمد حسین طباطبایی، المیزان

تفسیر علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ... تفسیر راهنما

بررسی تحلیل علی اکبر مؤمنی چاپ اول

۲- کتاب چهره یهود در قرآن تألیف عقیف عبدالفتاح طباره ترجمه و پاورقی سید مهدی آیت اللهی.

<sup>۱</sup> - آل عمران (۳) آیه ۹۹

<sup>۲</sup> - بسیاری از مفسران تصریح کرده اند که آیات مذکور درباره شبه افکنی شاس بن قیس نازل شده است، رک:

محمدحسین طباطبایی، المیزان ج ۳، ص ۳۶۴ و طبرسی مجمع البیان فی التفسیر القرآن ج ۲، ص ۸۰۱

<sup>۳</sup> - آل عمران (۳) آیه ۱۰۰-۱۰۱